

## سابقه و سبب برگزاری سیزده بدر در سنت‌های ایرانی

سجاد آیدنلو<sup>\*</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۳۰)

### چکیده

در ایران و کشورهای متأثر از فرهنگ ایرانی، روز سیزدهم فروردین ماه هر سال مردم از خانه‌ها بیرون می‌روند و از بام تا شام به گردش و شادی می‌گذرانند. این روز که اصطلاحاً «سیزده بدر» نامیده می‌شود و یکی از مشهورترین آیین‌های نوروزی است هیچ سابقه‌ی مکتوبی در منابع ادبی و تاریخی قدیمی ندارد و کهن‌ترین اسناد مربوط به آن ظاهراً از دوره فتحعلی شاه قاجار است. خاطرات و سفرنامه‌های عصر قاجار نشان می‌دهد که هم شاه و رجال درباری و هم عامه مردم، مراسم روز سیزدهم فروردین را به صورت رسمی و گسترده اجرا می‌کردند. در باورهای باستانی ایرانیان روز «سیزدهم» تیرماه بدشگون بوده و از سوی دیگر بنا بر اقوال و احادیثی روز «سیزدهم» همه ماه‌های ایرانی بد و نحس است. با این پیشینه و پشتوانه برای نحوست روز «سیزدهم»، ایرانیان دوره قاجار معتقد بودند که در روز سیزده فروردین احتمال دارد خانه‌هایشان ویران شود و نیز بلاهای سال جدید در این روز تقدیر و تعیین می‌شود. به همین دلیل برای در امان ماندن از زیان‌های این روز و راندن نحسی آن، به دشت و باغ می‌رفتند و تفریح می‌کردند. محققان معاصر هم حدس‌ها و نظریات گوناگونی (حداقل چهارده دیدگاه) درباره علت مراسم «سیزده بدر» مطرح کرده‌اند که از آن میان نمادینگی روز سیزدهم برای هزاره سیزدهم در باورهای ایرانی - که زمان پایان عمر دوازده هزار ساله گیتی و آغاز آشوب و تباهی نهایی است - محتمل‌تر می‌نماید. در نگارش این مقاله بسیاری از مآخذ ادبی و تاریخی و نوشته‌ها و پژوهش‌های معاصران با

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول).

\* aydenloo@gmail.com

استقصایی تقریباً تام (در متون چاپی، پیکره‌های زبانی و نرم‌افزارها) بررسی و سپس بر اساس شواهد به دست آمده، درباره سابقه و سبب برگزاری «سیزده‌بدر» بحث و نتیجه‌گیری شده است.

واژه‌های کلیدی: نوروز، سیزده‌بدر، سیزده صفر، عصر صفوی، دوره قاجار، معتقدات عامیانه.

### ۱. مقدمه

نوروز مهم‌ترین و مشهورترین جشن ایرانیان است که سابقه برگزاری آن حداقل به زمان ساسانیان می‌رسد و برخی محققان حتی نشانه‌هایی از آن را در روزگار هخامنشیان نیز یافته‌اند. در مآخذ مختلف فارسی و عربی از برپایی نوروز در دوره ساسانی و سپس عصر اسلامی و بعضی آیین‌ها و سنت‌های آن سخن رفته است (برای دیدن برخی از این اشارات، ر.ک: بلوکباشی، ۱۳۹۰: ۱۷-۳۴؛ همو، ۱۳۹۵: ۵۸۲-۵۸۴). یکی از رسوم بسیار معروف و همگانی مربوط به نوروز در ایران و کشورهای حوزه فرهنگ ایرانی، برنامه‌های گردش و بزم و شادی در روز سیزدهم فروردین / نوروز است که اصطلاحاً «سیزده‌بدر» نامیده می‌شود. به رغم شهرت و فراگیر بودن این مراسم و با وجود تحقیقات متعدد و نوشته‌های مفصل درباره خود جشن نوروز، در باب «سیزده‌بدر» پژوهش جامع و دقیقی صورت نگرفته است و فقط در چند مقاله، یادداشت و مدخل کوتاه و بخش‌هایی از کتاب‌های مرتبط با نوروز یا جشن‌های ایرانی، اشاره‌های موجزی به این آیین نیز دیده می‌شود.

در حدود جست‌وجوهای نگارنده نخستین و قدیمی‌ترین نوشته فارسی درباره «سیزده‌بدر» مقاله کوتاهی به نام «سیزده نوروز» است که مراد اورنگ در سال ۱۳۳۵ در مجله هویخت (ج ۷، ش ۲، صص ۵-۷) چاپ کرده است.<sup>۱</sup> پس از آن در *دائرة المعارف فارسی* (چاپ ۱۳۴۵) مدخلی در دو صفحه (ج ۱، صص ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵) به «سیزده‌بدر» اختصاص یافته است و چند سال بعد جمشید مهرپویا مقاله‌ای با نام «سیزده‌بدر» در مجله تلاش (ش ۴۵، بهمن ۱۳۵۲، صص ۶۱-۶۴) نوشته است. بهرام فره‌وشی در کتاب *جهان فروری* (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، صص ۶۷-۷۷) با تفصیل و دقتی بیشتر به این موضوع پرداخته و حدس‌هایی نیز درباره منشأ این مراسم مطرح کرده است.

سابقه و سبب برگزاری سیزده بدر در سنت‌های ایرانی \_\_\_\_\_ سجاد آیدنلو

بعد از وی محمدجواد بهروزی در مقاله «سیزده و سیزده بدر» (آینده، س ۱۱، ش ۱-۳، فروردین- خرداد ۱۳۶۴، صص ۳۳-۳۸)، محمدجعفر یاحقی در مدخل «سیزده بدر» در فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی (تهران، ۱۳۶۹، صص ۲۶۵-۲۶۶)، جهانگیر اوشیدری در دانشنامه مزدیسنا (تهران، ۱۳۷۱، ص ۳۳۹)، محمد محیط طباطبایی در یادداشت «سیزده نوروز» (دنیای سخن، ش ۶۴، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۰)، محمود روح‌الامینی در کتاب آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز (تهران، آگه، ۱۳۷۶، صص ۶۹-۷۴)، حسین تجدد در مقاله «سیزده بدر» (حافظ، ش ۴۹، ۱۳۸۷، صص ۱۱-۱۴)، علی بلوکباشی در کتاب نوروز، جشن نوزایی آفرینش (تهران، ۱۳۹۰، صص ۶۹-۷۴)، رضا مرادی غیاث‌آبادی در فرهنگنامه ایران باستان (تهران، ۱۳۹۱، صص ۲۸۵-۲۸۶)، حسام‌الدین مهدوی در کتاب جشن‌ها و آیین‌های ایرانی (تهران، ۱۳۹۲، صص ۱۴۳-۱۵۰) و محمد بقایی (ماکان) در کتاب نگرش‌های ایرانی (تهران، ۱۳۹۴، صص ۱۰۷-۱۱۴) نکاتی را درباره «سیزده نوروز» نوشته‌اند و در دانشنامه دانش‌گستر (تهران، ۱۳۸۹، ۱۰/۲۵۶) مدخل کوتاهی در این باره آمده است. در ادامه مقاله به بعضی نکته‌ها و حدسیات این منابع اشاره و استناد خواهد شد.

## ۲. بحث

اولین پرسش مهمی که درباره سنت سیزده بدر به ذهن می‌آید و حتماً باید طرح و بررسی شود این است که سابقه این مراسم به چه زمانی می‌رسد و ایرانیان از چه هنگام در روز سیزدهم فروردین/ عید به شادخواری پرداخته‌اند. تا جایی که نگارنده بررسی کرده است در مآخذ کهن فارسی و عربی (اعم از ادبی، تاریخی و جغرافیایی به نظم یا نثر) تا پیش از دوره قاجار هیچ اشاره آشکاری درباره برگزاری آیین «سیزده بدر» وجود ندارد<sup>۲</sup> و تنها دو نکته بسیار کلی و مشابه در شاهنامه و ویس و رامین به نظر می‌رسد که چون مورد توجه پژوهشگران این موضوع قرار نگرفته است، می‌آوریم.

در شاهنامه در داستان «باربد و خسرو پرویز» می‌خوانیم که خسرو پرویز باغی داشت که:

بدان باغ رفتی به نوروز شاه      دو هفته بیودی بدان جشنگاه  
(فردوسی، ۱۳۹۳: ۲/ ۱۰۲۲ ب ۳۶۳۶)

در دوره ما مراسم نوروز عملاً «دو هفته» است و پس از برگزاری آیین روز «سیزده- بدر»، از چهاردهم فروردین کارها از سر گرفته می‌شود. از اشارات بعضی سفرنامه‌های خارجیان می‌دانیم که در عصر قاجار و پهلوی اول هم جشن‌های نوروزی «دو هفته» طول می‌کشیده است (برای نمونه، ر.ک: جکسن، ۱۳۶۹: ۱۱۸؛ دروویل، ۱۳۸۷: ۱۳۹؛ ریچاردز، ۱۳۸۹: ۹۵). به این قیاس تصریح شاهنامه به اینکه خسرو پرویز به هنگام نوروز «دو هفته» در باغ خویش به بزم می‌نشسته نکته مهمی است و با اینکه شاهد واحدی است و غیر از آن ظاهراً گواه دیگری برای دو هفته بودن جشن نوروز در روزگار ساسانیان یا ایران پس از اسلام تا دوره صفویه نیست، به هر حال از نظر مشابهت با سنت‌های معاصر و پایان بزم نوروزی پس از «سیزده» روز درخور تأمل است. گویی که خسرو پرویز هم مانند امروزیان «سیزده» را در باغ به در می‌کرده و از روز چهاردهم نوروز به بعد بر سریر شهریاری می‌نشسته است.

در آغاز منظومه ویس و رامین - که داستان آن اصلی پارتی دارد و بین سال‌های ۴۳۲ و ۴۴۶ ق به نظم درآمده - توصیفی از یک جشن عمومی در فصل بهار آمده است که در آن هم شاه و هم عموم مردم به باغ و راغ می‌روند و نشاط و پای‌کوبی می‌کنند. هر چند در اینجا هیچ قرینه و اشاره‌ای درباره برگزاری این بزم و گردش همگانی در روز سیزدهم فروردین نیست، زمان (فصل بهار) و نحوه اجرای آن (حضور مردم در دشت و شادی و بازی و دست‌افشانی) کاملاً شبیه مراسم «سیزده بدر» است و به همین دلیل بیت‌هایی از آن آورده می‌شود:

یکی جشن نوآیین کرده بُد شاه	که بُد درخورد آن دیهیم و آن گاه
...چه خرم جشن بود اندر بهاران	به جشن اندر سراسر نامداران
...اگرچه بود بزم شاه خرم	دگر بزمان نبود از بزم او کم
کجا در باغ و راغ و جویباران	ز جام می همی بارید باران
همه کس رفته از خانه به صحرا	برون برده همه ساز تماشا
ز هر باغی و هر راغی و رودی	به گوش آمد دگرگونه سرودی
... گروهی در نشاط و اسپ‌تازی	گروهی در سماع و پای‌بازی
گروهی می‌خوران در بوستانی	گروهی گلچنان در گلستانی

گروهی بر کنار رودباری      گروهی در میان لاله‌زاری  
بدان جا رفته هرکس خرّمی را      چو دیبا کرده کی‌مخت زمی را  
شهنشه نیز هم رفته بدین کار      به زینت‌ها و زیورهای بسیار  
(اسعد گرگانی، ۱۳۸۶: ۴۲-۴۳)

کهن‌ترین گزارشی که نگارنده درباره‌ی آیین روز سیزدهم فروردین یافته از دوره فتحعلی شاه قاجار (سل: ۱۲۱۲-۱۲۵۰ق) است. در تاریخ عضدی که عضدالدوله، فرزند فتحعلی شاه، در سال ۱۳۰۴ق (زمان ناصرالدین شاه) تألیف کرده به برگزاری مراسم روز سیزده عید نوروز در دربار فتحعلی شاه و باغ شاهی اشاره شده است:

در سیزده عید نوروز تمام اهل حرم‌خانه می‌بایست در باغ پادشاهی حاضر شوند و باغ فُرُق شود. مادر شاه‌قلی میرزا ... به اتفاق آی باجی می‌بایست به عمارت کلاه فرنگی شاه شهید که مجلس تحویل در آنجا منعقد می‌شد و بعد از تحویل درهای آن بسته بود، بیایند. احدی به خوانچه‌ها و مجموعه‌های اسباب تحویل دست نمی‌زد. روز مزبور درب اطاق باز می‌شد این دو خانم در حضور حضرت خاقانی دو ظرف از آن خوانچه‌ها برمی‌داشتند و میان باغ انداخته می‌شکستند. بعد از آن تمام اهل حرم‌خانه آن ظروف را می‌بایست بشکنند و اسباب هفت سین را یغما کنند. به یکدیگر می‌ریختند و فریادها و خنده‌ها و زد و خورد‌های غریب می‌شد ... بعد از صرف آش در خدمت حضرت خاقان مشغول به قمار می‌شدند ... برد و باخت زیاد می‌شد. روز سیزده عید باید بدین منوال بگذرد (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۵۳-۵۴)

جیمز موریه که در دوره فتحعلی شاه (سال‌های ۱۸۰۹-۱۸۱۵م) در سفارتخانه انگلستان در ایران بوده، پس از توضیح جشن نوروز و وقایع روزهای نخست فروردین ماه در تهران و دربار قاجار، نوشته است «روز سیزدهم ماه صفر را ایرانیان روزی بسیار بد می‌شمارند. در این روز در خانه نمانده به دشت می‌روند تا چیزی موجب آزارشان نشود؛ زیرا می‌پندارند اگر در این روز کشمکشی با کسی پیش آید در بقیه سال بدبختی گریبانگیرشان خواهد بود» (۱۳۸۶: ۲۴۷/۱). چنان که در ادامه مقاله بحث خواهیم کرد ایرانیان روز سیزدهم ماه صفر را نیز مانند سیزده فروردین نحس می‌دانستند و برای گردش و بزم به بیرون از خانه می‌رفتند. ظاهراً در سالی که گزارش جیمز موریه مربوط

به آن است سیزدهم ماه صفر با سیزده فروردین مقارن شده و او به همین جهت در ادامه توصیف خویش از مراسم و رویدادهای نوروز و فروردین ماه به جای «سیزدهم فروردین» به «سیزدهم صفر» و به دشت رفتن ایرانیان پرداخته است. موریه در فصل پیش از این گزارش (۱۳۸۶: ۲۳۴) از «بازپسین روز محرم» یاد و چند صفحه بعد از آن (همان، ۲۵۰) نیز به «اربعین امام حسین<sup>(ع)</sup>» اشاره کرده است که نشان می‌دهد نوروز آن سال با ماه صفر تقویم قمری منطبق بوده است و احتمالاً مردم رسم نشاط و به صحرا شدن هر دو روز سیزدهم فروردین و صفر را یکجا اجرا کرده‌اند.<sup>۳</sup>

بیشترین گزارش‌ها و اشارات مربوط به «سیزده‌بدر» از دوره ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) است. برای نمونه ادوارد پولاک - که طبیب ویژه ناصرالدین شاه هم بوده - فصلی از سفرنامه خود را به «نوروز» ایرانیان اختصاص داده و در پایان آن به آیین روز سیزدهم فروردین توجه کرده است:

سرانجام روز سیزدهم یعنی آخرین روز عید فرا می‌رسد. مطابق با یک رسم کهن گویا تمام خانه‌ها در چنین روزی معروض خطر ویرانی هستند. به همین دلیل همه از دروازه‌های شهر خارج می‌شوند و به باغ‌ها روی می‌آورند. به‌خصوص زنان که علاوه بر هراس از خطری که ظاهراً آن‌ها را تهدید می‌کند به انگیزه‌های دیگری نیز به دشت و صحرا می‌روند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۶۵).

در **مجمّل رشوند** به گردش و رفع شومی سیزدهم فروردین سال ۱۲۷۳ق اشاره شده است: «قرار شد روز سیزده نحوست سال را بیرون کرده سوار شوند» (رشوند، ۱۳۷۶: ۱۰۱). در **قانون قزوینی** (تألیف ۱۲۸۵ق) از بازگشت مردم از بیرون شهر در روز سیزدهم فروردین یاد شده است «در روز سیزده سال نو ... شب شد خلق معاودت کردند به شهر. چون که بعضی از خبّاز باز نبودند سایر دکان‌ها شلّق شد» (شفیع قزوینی، ۱۳۷۰: ۷۲). نظام‌السلطنه مافی در خاطرات خویش از اسب‌دوانی امین‌الدوله در روز سیزده عید، مهمانی در منزل در سیزدهم فروردین سال ۱۳۰۱ق و دعوت عمومی مخبرالدوله در سیزده نوروز سال ۱۳۲۱ق سخن گفته است (۱۳۶۲: ۱/ ۲۴۰، ۲/ ۳۶۰). محمدرفیع نظام-العلمای تبریزی در سفرنامه خویش (مربوط به سال ۱۳۰۱ق) نوشته است «روز سیزدهم عید نوروز جناب معظم از داعی و بعضی منسوبان به نهار [در] همان باغ وعده گرفته بودند و آن روز جمعی از اهل شهر در اطراف آن باغ مشغول سیر و تفریح بودند»

سابقه و سبب برگزاری سیزده بدر در سنت‌های ایرانی \_\_\_\_\_ سجاد آیدنلو

(۱۳۸۸: ۳/ ۵۸۸ - ۵۸۹). در خاطرات بصیرالملک (مربوط به سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۶ ق) می‌خوانیم «روز یکشنبه ... سیزدهه عید نوروز، امروز در خدمت شاهزاده رفتیم باغ میرزا اسدالله خانی» (۱۳۷۴: ۳۳۸).

در منابع عصر قاجار بیش از همه عین‌السلطنه در یادداشت‌های خود به گردش‌های روز سیزدهم فروردین سال‌های مختلف توجه کرده و در خاطرات سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۴۱ ق (دوره ناصرالدین شاه تا احمد شاه) ۲۲ بار به این موضوع پرداخته است که دو نمونه را از سال ۱۳۰۵ و ۱۳۰۸ ق در اینجا نقل می‌کنیم.

امروز سیزده عید است. برحسب اقوال رو به شمران روانه شدیم ... جمعیت زیاد از شهر به اطراف می‌رفت ... در باغ زیاد گردش شد ... الحمدلله خوش گذشت ... دو ساعت به غروب مانده مراجعت به شهر شد (سالور (عین‌السلطنه)، ۱۳۷۴: ۱/ ۱۵۹).

«پنجشنبه... روز سیزده عید بود. به رسم معمول باید حکماً از شهر خارج شد و به گردش رفت. اگر در شهر باغی هم باشد می‌توان رفت» (همان، ۱/ ۳۵۲-۳۵۳). او در جایی سیزده عید نوروز را «روز عیش عمومی ایران» نامیده که «یک نفر بچه و پیر در خانه نمی‌ماند» (همان، ۱/ ۹۱۷).

جالب اینکه خود ناصرالدین شاه هم در خاطراتش (سال ۱۳۰۷ ق) به گردش و بزم روز سیزده فروردین در دوشان تپه اشاره و از جمعیت ده هزار نفری مردمی که به آنجا می‌رفتند یاد کرده است که نشان‌دهنده عمومیت این مراسم در آن سال‌هاست.

امروز سیزده است. صبح برخاستم. هوا آفتاب بود؛ اما باد مثل هر روز در کمال سختی و تندی می‌آمد. سوار شده رفتیم دوشان تپه. خیابان سبز شده بود نهایت صفا را داشت. جمعیت زیاد هم از مرد و زن به قدر ده هزار نفر بودند و می‌رفتند دوشان تپه. رفتیم بالای کوه نهار خوردیم ... دسته‌هایی که باید می‌زدند و می‌خواندند به اختلاف آمدند و رفتند و خیلی جمعیت توی باغ و صحرا بود (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۱: ۲۶).

مهدی‌قلی خان هدایت (مخبرالسلطنه) نیز گزارشی از «سیزده بدر رفتن» ناصرالدین شاه آورده است:

در گردش عید شاه به منزل بعضی اعیان تشریف می‌برند و من جمله روزهای سیزده را به منزل پدرم و جشنی بود. غالب رجال و شاهزادگان مدعو بودند.

مجالس از صبح تا عصر دایر بود. چند چادر بر پا می‌شد و هر طبقه جداگانه پذیرایی می‌شدند. نوبتی چهارده مجلس مهیا کرده بودیم (۱۳۸۵: ۷۴).  
از دیگر اسناد عصرِ ناصری دربارهٔ سیزده‌بدر می‌توان به سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی و چارلز ییت اشاره کرد. سهام‌الدوله نوشته «امروز سیزدهم عید بود ... تمامی اهل طهران در صحراها متفرق بودند» (بجنوردی، ۱۳۷۴: ۱۲۳). ییت نیز گزارشی از سیزدهم فروردین در مشهد آورده است:

در روز سیزدهم نوروز تمامی مردم مشهد یکپارچه از شهر خارج می‌شوند ... این یک رسم بسیار پابرجا و قدیمی است که هر کس باید خانه‌اش را ترک گفته و در این روز بیرون و حتی‌الامکان به سبزه‌زارها برود. در غیر این صورت نحسی این روز گریبان‌گیر وی خواهد شد (۱۳۶۵: ۲۷۹).

در این گزارش و پیش‌تر از آن *سفرنامهٔ پولاک*، آیین سیزدهم فروردین «رسمی قدیمی» دانسته شده است؛ ولی چنان که گفتیم در مآخذ قبل از دورهٔ قاجار هیچ اشارهٔ صریحی در این باره دیده نمی‌شود و معلوم نیست این دو سیاح اروپایی بر چه اساسی آن را سنتی کهن خوانده‌اند.

از روزگار احمد شاه (۱۳۲۷-۱۳۴۳ق) هم اشاراتی دربارهٔ مراسم سیزدهم فروردین به جای مانده که غیر از *خاطرات عین‌السلطنه* برای نمونه می‌توان این جملهٔ سید محمد کمره‌ای را از سال ۱۳۳۷ق ذکر کرد که در آن ترکیب/اصطلاح سیزده‌بدر را نیز به کار برده است. «جمال و بتول هم همراه ننه اسماعیل سیزده‌بدر رفتند به سمت امام‌زاده معصوم» (۱۳۸۴: ۲/۸۳۳). از گزارش‌های مفصل دورهٔ قاجار دربارهٔ رسم روز سیزده فروردین باید به توصیفات عبدالله مستوفی در کتاب *شرح زندگانی من* اشاره کرد که ضمن توضیح جزئیات و برنامه‌های این روز، اصطلاح «سیزده‌بدر» را هم آورده است (۱۳۸۴: ۱/۳۶۴-۳۶۶).

این نکته تا حدودی عجیب و پرسش‌برانگیز را هم باید یادآور شد که با وجود اسناد و اشارات متعدد دربارهٔ برگزاری آیین روز سیزدهم فروردین در دورهٔ قاجار، بعضی جهانگردان اروپایی در سفرنامه‌های خویش به این موضوع توجه نکرده‌اند؛ مثلاً بروگش آلمانی که توصیفی نسبتاً طولانی از جشن نوروز در تهران عصر ناصرالدین شاه نوشته (۱۳۶۷: ۶۱۹-۶۲۵) از مراسم سیزده‌بدر - که دیدیم در آن زمان به صورت عمومی و

گستره برگزار می‌شده - یاد نکرده است یا دویو که در کتابش به نام *ایران* گزارش‌های سیاحان اروپایی قرن هفدهم و هجدهم و آغاز سده نوزدهم را درباره ایران خلاصه کرده، نوشته است «جشن نوروز نزدیک به یک هفته ادامه می‌یابد» (کریستن‌سن، ۱۳۸۶: ۴۹۳) که از اینجا می‌توان چنین استنباط کرد که شاید در بیشتر سفرنامه‌هایی که او دیده و مطالب آن‌ها را تلخیص کرده، اشاره‌ای درباره «دوازده» روز بودن نوروز و پایان آن با مراسم ویژه روز سیزدهم نبوده است.

توماس هربرت که در دوره شاه عباس دو سال در ایران بوده و سفرنامه‌ای هم نوشته در گزارش آیین‌های نوروزی در اصفهان اشاره کرده است که زنان در «دوازده روز نوروز» خلاف دیگر روزهای سال آزاد و بی‌نقاب در شهر می‌گشتند و شادی می‌کردند (بهار، ۱۳۷۵: ۴۹۷). مهرداد بهار بر این اساس در مصاحبه‌ای درباره سابقه مراسم سیزده‌بدر گفته است: «دقیقاً متنی در این باره نیست. تنها می‌دانیم که مثلاً در دوره صفویه که زنان همه چادر به سر می‌کردند در روز سیزده نوروز بی‌روپند و چادر به خیابان می‌آمدند» (۱۳۸۴: ۳۴۲). در این باره باید به دو نکته توجه کرد. یکی اینکه در نوشته هربرت از آزادی و بی‌نقابی بانوان در دوازده روز نوروز سخن رفته است نه مشخصاً روز سیزدهم. ثانیاً جهانگردانی که در عصر صفوی به ایران آمده و توضیحی درباره جشن نوروز و سنت‌های آن نوشته‌اند ظاهراً به روز سیزدهم فروردین و اهمیت یا خاص بودن آن نزد ایرانیان هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند. برای نمونه پیتر و دلاواله که او هم مانند هربرت در زمان شاه عباس در ایران بوده و گزارش کوتاهی درباره نوروز در اصفهان و بعضی آداب آن (نظیر عیدی دادن بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها، تقدیم هدیه به شاه، پوشیدن لباس نو و گردش در خارج شهر) نوشته نه تنها هیچ اشاره‌ای به مراسم روز سیزدهم نکرده؛ بلکه گفته است که «معمولاً هر کس از نوروز به بعد برای خود روزی را انتخاب می‌کند و طی آن به گردش و تفریح می‌پردازد» (دلاواله، ۱۳۹۰: ۴۹). شاردن جهانگرد معروف فرانسوی هم مدت جشن‌های نوروزی را در دوره شاه عباس دوم «هشت روز» نوشته (۱۳۹۳: ۱/ ۴۵۰-۴۵۱) و همچون دلاواله یادآور شده است که «عامه مردم در تمام مدتی که جشن جریان دارد برای تفریح خاطر به گردش باغ و بستان‌های بیرون شهر یا تفرج در صحرا می‌روند» (همان، ۱/ ۴۵۱-۴۵۲). اشاره این دو

جهانگرد نشان می‌دهد که به احتمال فراوان در روزگار صفویان روز معینی (مانند سیزدهم ادوار بعد) برای بیرون رفتن از خانه و تفرج در صحرا وجود نداشته است و مردم در روزهای مختلف ایام نوروز این کار را انجام می‌دادند.

کمپفر آلمانی (۱۳۶۳: ۱۸۳) نیز که در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران آمده است با وجود این توضیح که جشن‌ها و مهمانی‌های نوروزی در ایران دو هفته و در بعضی موارد حتی سه هفته طول می‌کشد، از روز سیزدهم فروردین و مراسم آن یاد نکرده است. ملا مظفر گنابادی، ستاره‌شناس و ریاضی‌دان دربار شاه عباس اول هم در فهرستی که از جشن‌های ایرانیان به دست داده، نوروز بزرگ در ششم فروردین را آورده؛ ولی هیچ ذکری از سیزدهم فروردین نکرده است (کریستوفورتی، ۱۳۹۴: ۸۶). سند دیگری که تأیید می‌کند در روزگار صفویان در ایران و سرزمین‌های متأثر از فرهنگ و سنن ایرانی احتمالاً آیین سیزده‌بدر برگزار نمی‌شده، کتاب *گلبدن‌نامه* است. در این اثر که یکی از شاهزادگان دربار پادشاهان مغولی هند در سده دهم نوشته است می‌خوانیم

و بعد از نوروز هژده روز همایونی می‌کردند [یعنی به بزم و جشن می‌پرداختند] و لباس‌های سبز می‌پوشیدند و قریب سی‌چهل دختر را حکم می‌شد که لباس‌های سبز پوشند و بر کوه‌ها برآیند و در یک نوروز بر کوه دادران برآمدند. اکثر در حضور و عیش و فراغت می‌گذرانیدند (گلبدن بیگم، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

از این منبع معلوم می‌شود که هم‌زمان با فرمانروایی صفویان در ایران، در هند مراسم نوروزی در «هجده» روز اجرا می‌شد و «سیزده» و «روز سیزدهم» در این میان نقش و اهمیتی نداشت.

چنان‌که از بعضی اشارات و گزارش‌های دوره قاجار برمی‌آید ایرانیان روز سیزدهم فروردین را نحس می‌دانستند و برای رفع خطر شومی آن از خانه بیرون می‌رفتند. می‌دانیم که امروز نیز این اعتقاد در میان عامه مردم وجود دارد و هنوز هستند کسانی که سیزدهم فروردین را نحس و بدیمن می‌پندارند. از این رو لازم است پیش از بحث درباره علت یا علل برگزاری مراسم سیزده‌بدر در روز سیزدهم فروردین ماه/نوروز، به‌طور کلی درباره نحوست عدد سیزده و روز سیزدهم ماه/ماه‌ها توضیحاتی داده شود.

ابوریحان بیرونی (۱۳۹۲: ۳۰۷) در *آثارالباقیه* جدولی از روزهای سعد و نحس را در معتقدات ایرانیان آورده که در آن، روز «سیزدهم» گاهشماری ایرانی - که «تیر» روز

نامیده می‌شد - در تیر ماه بدشگون است.<sup>۵</sup> بر این اساس می‌توانیم بگوییم که اعتقاد به شومی روز سیزدهم - هرچند در یک ماه سال - در ایران باوری باستانی و مربوط به پیش از اسلام است. در برخی روایات و احادیث منقول از امام صادق<sup>(ع)</sup>، سلمان فارسی و دیگران نیز روز سیزدهم همه ماه‌های ایرانی نحس و بد دانسته و به پرهیز از انجام دادن کارها در این روز سفارش شده است<sup>۶</sup> (سلیم، ۱۳۵۳: ۲۶۸ - ۲۶۹). این موضوع در منابع متأخر هم تکرار شده است<sup>۷</sup> و همان‌طور که گفتیم به حوزه باورهای عامیانه ایرانی راه یافته است (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۶۲۰ - ۶۲۱).<sup>۸</sup> البته شوم‌انگاری روز سیزدهم ماه و عدد سیزده ویژه معتقدات ایرانی نیست و در میان بسیاری از اقوام و ملل دیده می‌شود<sup>۹</sup> (در این باره، ر.ک: جابز، ۱۳۹۵: ۷۶۸؛ شیمل، ۱۳۸۸: ۲۲۷). برای نمونه در تقویم روم باستان، روز سیزدهم هشت ماه سال - که آیدس نامیده می‌شد - غیر از مارس، مه، ژوئیه و اکتبر را منحوس و خطر خیز می‌انگاشتند (جابز، ۱۳۹۵: ۵۸۶؛ حسینی، ۱۳۹۰: ۳۲).

درباره اینکه چرا باستانی عدد سیزده و روز سیزدهم ماه را نحس می‌پنداشته و این اعتقاد تا به امروز رسیده، چند دلیل مطرح شده است. از آن جمله: ۱. در روز سیزدهم ماه توت در گاهشماری مصری، زلزله هولناکی رخ داده است و بسیاری از آدمیان و دام‌ها کشته شده‌اند (فره‌وشی، ۱۳۸۳: ۷۴-۷۷). ۲. در سنت مسیحی شمار حاضران مراسم شام آخر (حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> و یارانشان) «سیزده» نفر بود که سیزدهمین آن‌ها به مسیح<sup>(ع)</sup> خیانت کرد و موجب به صلیب کشیده شدن وی شد. ۳. در اخترشناسی کهن آسمان دوازده برج داشت که خورشید هر ماه در یکی از آن‌ها واقع می‌شد و هرگز در کنار هیچ یک از آن‌ها نمی‌ماند که مجموعاً عدد سیزده حاصل شود (شیمل، ۱۳۸۸: ۲۲۸). ۴. در اساطیر یونان انجمنی از دوازده ایزد تشکیل شده بود که «سیزدهمین» نفر وارد می‌شود و یکی از آن‌ها را می‌کشد و مجلس را به هم می‌زند (رضازاده شفق، ۱۳۱۹: ۴). از این علل، موارد نخست و چهارم جنبه قومی (مربوط به مصر و یونان) دارد و احتمالاً نمی‌تواند در نحس پنداشتن سیزده در میان ملل دیگر چندان مؤثر بوده باشد و شاید دوازده تا بودن شمار بروج فلکی و سپس خیانت سیزدهمین نفر مراسم شام آخر در این باره تأثیرگذارتر بوده است. نگارنده حدس می‌زند که شاید بدشگونی سیزده در فرهنگ ایرانی با مسئله بروج آسمانی مرتبط باشد که چون تعداد

این سیارات تعیین‌کننده مقدرات زندگی انسان گذشته، دوازده بوده است شماره بعد از آن (سیزده) را بدیمن پنداشته‌اند.

صرف نظر از نحوست عدد «سیزده» و روز «سیزدهم» ماه‌های مختلف - که موضوعی کلی است - پرسش مربوط به مراسم سیزده‌بدر این است که چرا ایرانیان روز سیزدهم فروردین ماه - و نه ماهی دیگر - را به بزم و نشاط می‌نشینند و منشأ این مراسم چیست و به چه سببی است؟ همان گونه که پیش‌تر نیز بعضی محققان اشاره کرده‌اند در منابع متقدم توضیح یا قرینه روشنی درباره خاستگاه این آیین وجود ندارد (برای نمونه، ر.ک: بلوکباشی، ۱۳۹۰: ۹۱؛ همو، ۱۳۹۵: ۵۸۶؛ روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۶۹؛ فره‌وشی، ۱۳۸۶: ۶۹؛ کریستوفورتی، ۱۳۹۴: ۸۸) و آنچه در این باره هست یا گزارشی از عقاید عامه است و یا حدس‌ها و نظریات پژوهندگان معاصر.

قدیم‌ترین توضیح درباره سبب برگزاری سیزده‌بدر، باورهای عامیانه ایرانیان روزگار قاجار به روایت *سفرنامه پولاک* است که نوشته مردم می‌پنداشتند در روز سیزدهم فروردین همه خانه‌ها در معرض خطر ویرانی هستند و به همین جهت از خانه به دشت می‌رفتند (پولاک، ۱۳۶۸: ۶۲۵). بنا بر اعتقادی دیگر که عباسعلی کیوان قزوینی (۱۲۴۰- ۱۳۱۷ش) از مردم قزوین دوره قاجار نقل کرده است بلاهای سال جدید در روز سیزدهم فروردین تقسیم و تعیین می‌شد و مردم از خانه و شهر خود بیرون می‌رفتند تا شاید در تقدیر بلایا فراموش بشوند و از قلم بیفتند (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۷۰-۷۱). برخی اهالی تهران هم در اواخر عصر قاجار معتقد بودند اگر سیزده عدد مقدسی بود خداوند تعداد امامان و ماه‌های سال را سیزده قرار می‌داد و چون این گونه نشده پس سیزده شماره نحسی است و به همین دلیل برای اینکه شادی دوازده روز آغازین سال جدید با شومی روز سیزدهم آمیخته نشود باید سیزدهم فروردین را از خانه خارج شد تا نحوست این روز به خانه راه نیابد و به بیرون از منزل و شهر و حتی آن سوی دروازه‌های شهر برده شود (شهری، ۱۳۸۳: ۴/۱۲۷).

این سه دلیل (۱. احتمال ویران شدن خانه‌ها در سیزدهم فروردین ۲. تقسیم بلاهای سال جدید در این روز ۳. راندن شومی روز سیزدهم به بیرون خانه و شهر) به سبب استناد بر عقاید عامه و تعلق به دوره قاجار - که فعلاً سندی پیش از این زمان

برای برپایی مراسم روز سیزدهم فروردین نداریم - در توضیح یا توجیه علت برگزاری آیین سیزده‌بدر بسیار مهم و درخور اعتناست. غیر از این دلایل عامیانه و قدیمی، توضیحات دیگری که درباره منشأ سیزده‌بدر وجود دارد از محققان معاصر است که در این بخش مجموع این نظریات و حدس‌ها را تا جایی که جسته و یافته‌ایم به ترتیب تاریخی می‌آوریم:<sup>۱۰</sup>

۱-۲. در حدود بررسی‌های نگارنده در مآخذ فارسی، از محققان ایرانی نخستین بار مرحوم استاد ذبیح‌بهر روز در مقاله‌ای (۱۳۴۰) درباره سابقه و منشأ سیزده‌بدر اظهار نظر کرده و آن را از جشن‌های کهن آریایی دانسته است که در گاه‌شماری ایرانی اولین بار در روز یکشنبه روز ماه بدر برگزار شده است (بلوکباشی، ۱۳۹۰: ۹۲؛ همو، ۱۳۹۵: ۵۸۶).

۲-۲. در مدخل سیزده‌بدر در *دایرةالمعارف فارسی* (۱۳۴۵) این مراسم از آداب و معتقدات عامیانه به شمار آمده که نحوست منسوب به روز سیزدهم در احادیث منقول از امام صادق<sup>(ع)</sup> در اجرا و حفظ آن در اولین روز سیزدهم سال جدید تأثیر داشته است (مصاحب، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۴۰۵).

۳-۲. به نوشته یکی از پژوهشگران

چون در نخستین سال رصد زرتشت روز سیزدهم فروردین با روز سیزدهم ماه قمری همان سال منطبق گردید و آفتاب و ماه در مقابل یکدیگر قرار گرفتند منجمان این روز خاص استثنایی را نحس خواندند که آفتاب و ماه به استقبال هم آمدند. از این رو، دستور دادند تا مردم از خانه‌ها خارج شده به صحرا روند و نحوست چنین روز را در بیابان به‌در کنند (حقیق، ۱۳۴۸: ۳۰۸).

۴-۲. بهرام فره‌وشی در کتاب *جهان فروری* (۱۳۵۵) سه احتمال را در این باره پیش کشیده‌اند که در اینجا و دو شماره بعدی می‌آوریم. یک حدس ایشان این است که در برخی سرزمین‌های اسلامی مطابق رسم کهن هندواروپایی در آغاز سال نو دوازده روز جشن بر پا می‌شد و معتقد بودند در این مدت ستون‌هایی که جهان بر روی آن‌ها قرار گرفته است و ارواح اهریمنی در طول سال جویده‌اند، دوباره ترمیم می‌شود و ارواح پلید در روز سیزدهم به زیر زمین فرو می‌روند. لذا، روز سیزدهم سال نو «روز جشن نجات جهان و دوره تکامل جدید ستون‌های جهان است و دور نیست که جشن سیزده نورو ایرانی نیز از این اعتقاد هندواروپایی مایه گرفته باشد» (فره‌وشی، ۱۳۸۳: ۶۹).

۵-۲. توضیح دوم فره‌وشی این است که در اساطیر ایرانی عمر جهان دوازده هزار سال است و در پایان هزاره دوازدهم نیروهای اهورایی بر اهریمنان پیروز می‌شوند. بر همین پایه «روز سیزدهم تمثیلی از هزاره سیزدهم می‌تواند باشد که آغاز رهایش از جهان مادی است و از این رو روز سیزدهم می‌تواند روز بازگشت ارواح به مینو و روز بزرگ رامش گیپهانی باشد» (همان‌جا).

۶-۲. احتمال سوم هم اینکه چون روز سیزدهم هر ماه در ایران باستان متعلق به تیر/ تیشتر، ایزد باران است شاید روز سیزدهم سال نو «روز ویژه طلب باران بهاری برای کشتزارهای نودمیده بوده است» (همان، ۷۰؛ نیک‌نام، ۱۳۷۹: ۴۱، ۴۲؛ مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۴: ۲۱). به نظر فره‌وشی با اینکه در متون کهن اشاره‌ای به «سیزده‌بدر» وجود ندارد، قدمت آن هم پایه نوروژ است و به زمان تدوین تقویم اوستایی می‌رسد (فره‌وشی، ۱۳۸۳: ۶۹).

۷-۲. مهرداد بهار در فرضیه‌ای تقریباً مشابه حدس دوم فره‌وشی (شماره ۵) معتقدند که دوازده روز آغازین نوروژ نمادی از دوازده ماه سال و عمر دوازده هزار ساله جهان در باورهای باستانی است و چون پس از پایان دوازده هزار سال، جهان درهم و آشفته می‌شود به همین قیاس پایان دوازده روز آغاز سال جدید و روز سیزدهم را نمودی از همان نابسامانی نهایی گیتی می‌پنداشتند و نحس می‌شمردند و شادی می‌کردند (بهار، ۱۳۷۴ الف: ۲۲۷، ۲۲۸؛ همو، ۱۳۷۴ ب: ۲۳۱، ۲۳۲).

۸-۲. یکی از محققان که سابقه سیزده‌بدر را به ایران باستان می‌رساند علت اصلی و نخستین برگزاری آن را «تزکیه نفس و نزدیکی به خود» می‌داند نه جشن و سرور و بر این عقیده است که در این روز مردم به بیرون شهر می‌رفتند و با انجام دادن آیین‌های دینی و خواندن دعا و نیایش، پلیدی‌های اهریمی را از خود می‌رانند و بر زشتی چیره می‌شدند. در ایران باستان سیزده نحس نبوده است و «ایرانیان این مراسم را جزو آداب دینی خود انجام می‌دادند» (بهریزی، ۱۳۶۴: ۳۳، ۳۴).

۹-۲. به نظر زرین‌کوب دوازده روز اول سال جدید نماد دوازده ماه آن سال و روز سیزدهم نماینده سال بعد است. لذا، شادی و تفریح مردم در این روز بدین منظور است که نحوست سیزده در سال نو و رویدادهای پیش رو دامنگیرشان نشود (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۴۴۸).

۱۰-۲. در معتقدات ایران باستان فروهرهای مردگان در روزهای آغازین سال و ماه فروردین به این جهان باز می‌گردند و به خانه‌های خود می‌روند. برای اینکه فروهرها راه خود را بهتر پیدا کنند ایرانیان در شب‌های آخر سال و شاید پنج روز اول سال نو بر بام‌های خانه‌هایشان آتش می‌افروختند. ژاله آموزگار بر اساس این سنت نوشته است «احتمالاً بازگشت فروهرها در پایان اقامتشان در زمین به بدرقه‌ای باشکوه نیاز دارد که همه خانه‌ها را ترک می‌کنند و در دامن دشت و صحرا با آنان بدرود می‌کنند». سپس این سؤال را مطرح کرده است که «آیا رسم سیزده‌بدر را می‌توان بازمانده این آیین دانست؟» (۱۳۸۶: ۲۳۴، متن و زیرنویس ۴). محمد بقایی (ماکان) (۱۳۹۴: ۱۱۴) نیز مطلبی مشابه همین نوشته است.

۱۱-۲. در ایران پیش از اسلام روز سیزدهم هر ماه «تیر» نام داشت و سفارش شده بود که در این روز به کودکان تیراندازی و سوارکاری آموخته شود. چون در روز تیر ماه‌های فصل زمستان به دلیل برف و سرما آموزش این فنون به کودکان دشوار می‌شد به جان آن در روز سیزدهم فصل بهار این کارها را با جشن و نشاط انجام می‌دادند؛ اما با گذشت زمان «رفته رفته سنت‌های مربوط به روز تیر و جشن تیرگان [که در روز سیزدهم تیرماه برگزار می‌شد] ... و پیشینه آداب آن درهم آمیخت و آیین «سیزده‌بدر امروزی» جای همه را گرفت» (اعظمی سنگسری، ۱۳۸۱: ۵، ۸).

۱۲-۲. پورجوادی در یادداشتی نوشته است به اعتقاد ایرانیان خداوند همه چیز را در دوازده روز آفرید و روز «سیزدهم» زمان ختم آفرینش و سکون است. لذا، اگر مقرر باشد چیزی نابود شود در روز سیزدهم اتفاق خواهد افتاد و به همین سبب این روز نحس است و باید از خانه بیرون رفت تا اگر حادثه‌ای روی داد در امان بود (پورجوادی، ۱۳۹۴: ۲۸۰، ۲۸۱). نکته‌ای که باید در این باره یادآور شد این است که در اساطیر و باورهای ایرانی اشاره‌ای به آفرینش «دوازده روزه» نیست<sup>۱۱</sup> و بنا بر گزارش **بندش** - که از مفصل‌ترین منابع درباره موضوع خلقت در معتقدات ایرانی است - آفرینش مادی در شش گاه و ۳۶۵ روز انجام می‌شود (فرنبرگ‌دادگی، ۱۳۶۹: ۳۹-۴۲). در روایات ایرانی آنچه با «دوازده» ارتباط دارد عمر دوازده هزار ساله جهان در سنت زرتشتی است که پیش‌تر به آن اشاره شد.

۱۳-۲. به نظر مری بویس توضیح منشأ «سیزده‌بدر» اندکی پیچیده است؛ اما ظاهراً به شرح زیر است:

وقتی که در میانه قرن دوازدهم زرتشتیان با اعتدال ربیعی نوروز غیرمذهبی [بیست و یک روزه] خود را جشن می‌گرفتند ... سیزدهمین روز از جشن نوروز به خودی خود اهمیت خاصی نداشت؛ اما وقتی که نوروز بر طبق تقویم زرتشتی ثابت شد سیزدهمین روز پس از ششم فروردین تبدیل به ۱۹ فروردین شد و این روز نوزدهم ... مصادف با جشن سالانه فروشی‌هاست. این روز در زمان هخامنشیان رسمی شد و مورد علاقه بسیار جامعه بود و این روز یکی از مقدس‌ترین روزها تلقی می‌شد. ظاهراً جشن این روز در مقایسه با جشن روز فروردیگان بیشتر خوش می‌گذشته است چون در این روز مردم خانه‌های خودشان را ترک می‌کردند تا مانند مهمانانشان در جشن گرفتن و شادی کردن شرکت کنند و لذت ببرند. این مراسم خارج از محدوده روزهای مقدس مذهبی (یعنی ۱۸ روز از تاریخ ۲۵ سپندارمذ تا ۸ فروردین) بود و هرگز بخشی از آن نبود؛ اما این مراسم در میان ۲۱ روز نوروز غیرمذهبی قرار داشت. بنابراین وقتی که نوروز غیرمذهبی در بهار جشن گرفته می‌شد این روزهای دوست‌داشتنی جشن روز سیزدهم باید بخشی از آن بودند و از زمانی که این روز سیزدهم رابطه‌اش را با ۱۹ فروردین از دست داد، جشن و سرور در مکان‌های باز صرفاً به خاطر روز سیزدهم برگزار می‌شد و به‌طور کلی بدون هیچ نیت خالصانه‌ای بود. این حقیقت که هم زرتشتیان و هم مسلمانان شیعه سیزده‌بدر را جشن می‌گیرند اذعان‌کننده این است که پیش از آنکه بسیاری از ایرانیان به اسلام بگردند این سیزده‌بدر در نوروز غیرمذهبی ۲۱ روزه گنجانده شده بود (بویس، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۹).

۱۴-۲. در مطالب بعضی پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های مجازی مراسم سیزده‌بدر را با جشن «پوریم» یهودیان پیوند داده و نوشته‌اند چون در سیزدهم آذار، یهودیان شمار فراوانی (۷۵ هزار نفر) از ایرانیان را کشتند و عده‌ای از ایرانیان برای حفظ جان خود به دشت و صحرا گریختند از آن پس روز سیزدهم فروردین نحس دانسته شد و مردم به سنت سابق به بیرون از خانه و، باغ و راغ می‌روند (برای نمونه، رک: مدخل «سیزده‌بدر»، ویکیپدیا).

از آنجایی که این نظریه نزد عده‌ای پذیرفته شده است و تکرار و ترویج می‌شود، لازم است در این مقاله توضیح داده و بررسی شود. «پوریم» - که در منابع کهن فارسی و عربی از آن به صورت «بوریم» یاد شده - یکی از اعیاد و جشن‌های یهودی است و علت و چگونگی ایجاد آن چنین بود که خشایارشا، پادشاه هخامنشی، پس از برکناری بانوی خویش دختری یهودی به نام استر را ملکه می‌کند. هامان، وزیر خشایارشا، با موردخا (مُردخای) عموی استر - که از درباریان بود - دشمنی داشت و از این رو تصمیم می‌گیرد او و ده پسرش و هر یهودی دیگر را در روز سیزدهم آذرمه یهودیان بکشد. مُردخای موضوع را به استر می‌گوید و او با آشکار کردن این توطئه بر خشایارشا باعث می‌شود که پادشاه ایران وزیرش هامان را بکشد و مُردخای را جانسین او بکند و به او اجازه قتل عام دشمنانش را بدهد. به همین مناسبت یهودیان روز چهاردهم و پانزدهم آذر را جشن می‌گرفتند و آن را «پوریم» به معنای «قرعه و فال»<sup>۱۲</sup> می‌نامیدند (درباره پوریم برای نمونه، رک: شاپور شهبازی، ۱۳۸۵: ۳۶۷، ۳۶۸؛ Netzer, 1999: 557-558).

این جشن خلاف اعتقاد و تلقین و تکرار برخی نمی‌تواند خاستگاه سیزده بدر ایرانی باشد؛ زیرا اصل واقعه انتقام‌جویی یهودیان از دشمنانشان بنا بر کتاب *استر تورات* مربوط به سیزدهم آذرمه است که در تقویم دینی یهود نام دوازدهمین ماه سال (برابر اسفند ماه ایرانی) (کتاب مقدس، ۱۳۸۸: ۹۴۳، ۹۴۴) و در تقویم عُرفی آنان ششمین ماه سال (برابر شهریور ماه) است (نبئی، ۱۳۸۵: ۱۷؛ صادقی، ۱۳۹۲: ذیل «آذر») و ربطی به «فروردین» ندارد. ثانیاً در خود کتاب *استر تورات* و مآخذی مانند *آثارالباقیه*، *التفهیم و زین الاخبار* که گزارشی از این مراسم آمده است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۲۴۶، ۲۴۷؛ همو، ۱۳۹۲: ۳۷۳-۳۷۵؛ گردیزی، ۱۳۸۴: ۳۳۰) هیچ اشاره‌ای به این موضوع دیده نمی‌شود که ایرانیان از دست مُردخای و یهودیان به دشت و صحرا گریخته باشند. ثالثاً اگر بنا بود که ایرانیان برای این رویداد و یادآوری سالانه آن مراسم بگیرند اصولاً باید جنبه سوگ و اندوه می‌داشت نه جشن و شادی آن گونه که در آیین‌های سیزده بدر می‌بینیم.

به نظر نگارنده با توجه به گزارش‌هایی که از معتقدات عامه مردم در دوره قاجار درباره مراسم سیزدهمین روز فروردین موجود است احتمالاً ایرانیان به دلیل اعتقاد به نحوست عدد «سیزده» و روز «سیزدهم» هر ماه - که اخبار و احادیث دینی هم در

محیط اسلامی و به‌ویژه شیعی عصر قاجار در ترویج و تحکیم آن تأثیر فراوانی داشته - نخستین روز سیزدهم هر سال را در خارج از منزل به بزم و شادی می‌پرداختند تا شومی سال جدید (از قبیل احتمال ویران شدن خانه‌هایشان، تعیین بلا و قضای بد برای آن‌ها و ...) را از خود، خانه و شهرشان رانده و به اصطلاح «به‌در کرده باشند». به بیانی دیگر برگزاری مراسم برای اولین روز سیزدهم هر سال به‌مثابه رفع بدیمنی همه روزهای سیزدهم دوازده ماه سال بوده است و با این کار خیال خویش را از خطرات و بلاهای ماه‌های دیگر آسوده می‌کردند. این توضیح درباره سبب و منشأ سیزده‌بدر به جهت استنباط / اقتباس از معتقدات مردمی ایرانیان روزگار قاجار - که سابقه برگزاری آیین‌های روز سیزدهم نیز به منابع آن زمان می‌رسد - بسیار مهم و محتمل است؛ اما از بین نظریات و حدس‌های محققان هم - که تحلیل علمی و امروزی این سنت مردمی بر اساس موضوعات اساطیری و آیینی است - غیر از فرضیات بدون قرینه و سند (نظیر موارد شماره ۳، ۸ و ۱۱) که پذیرفتنی نیست، نگارنده دیدگاه فره‌وشی و بهار را با قید احتیاط محتمل‌تر می‌داند که شاید دوازده روز آغازین نوروز نمادی از دوازده هزار سال عمر جهان و روز سیزدهم نشانه شروع آشوب هزاره سیزدهم بوده است. از آنجا که در میان بسیاری از ملل و اقوام جهان جشن‌های آغاز سال جدید به شکل‌های آیینی و نمادین با مفاهیم تجدید آفرینش، رستاخیز، آغاز و پایان ادوار زمانی و بازآفرینی آن، روابط مختلفی دارد (در این باره ر.ک: الیاده، ۱۳۷۸: ۶۵-۸۵)، دور نیست که این انگاره به این صورت - البته عمدتاً ناخودآگاه - در عقاید نوروزی ایرانیان نیز بازمانده و نمود یافته باشد.<sup>۱۳</sup>

ایرانیان چند نسل پیش غیر از سیزدهم فروردین، روز سیزده ماه صفر تقویم هجری قمری را هم نحس می‌دانستند و همچون سیزده فروردین برای دفع شومی آن به گردش و بیرون از خانه می‌رفتند. در حدود جست‌وجوهای نگارنده قدیم‌ترین گزارش مربوط به آیین «سیزدهم صفر» نیز مانند «سیزده‌بدر» از اوایل دوره قاجاری و در کتاب *تاریخ ذوالقرنین* است که به نخچیر کردن محمد شاه قاجار در روز سیزده صفر سال ۱۱۹۳ق «به سبب نحوست سیزده» اشاره کرده است

در روز سه‌شنبه سیزدهم شهر صفر المظفر سنهٔ یک هزار و یک صد و نود و سه کریم‌خان زند در دارالعلم شیراز بهشت‌مانند تخت را به تخته بدل ساخته درگذشت ... خاقان مغفور محمد شاه قاجار ... از یاری اقبال و یاری بخت سعادت‌اتصال در روز مزبور به سبب نحوست سیزده با برادران کهتر خود ... و جمعی دیگر از خویشان و ارادت‌کیشان سوار گشته در اربع حومهٔ شیراز مشغول صید و شکار بود که ناگهان این خبر بهجت‌توأمان را از مخبری صادق شنود (شیرازی (خاوری)، ۱۳۸۰: ۳۳).

در همین منبع گزارشی از صید و عشرت فتحعلی شاه قاجار هم در سیزدهم صفر سال ۱۲۱۶ ق آمده است «... از آنجا صیدکنان قریهٔ لاسم‌نوا مطلع انوارِ چهر مهراعتلا شد و رفع نحوست سیزدهم شهر صفر المظفر را یک روز در آن منزل سعادت‌انتما عشرت‌پیرا گردید» (همان، ۱۵۲).

در *خاطرات عین‌السلطنه* چند بار به گردش‌های روز سیزده صفر در سال‌های ۱۳۰۵ و ۱۳۱۳ ق اشاره شده (سالور (عین‌السلطنه)، ۱۳۷۴: ۱/ ۱۴۶، ۳/ ۱۹۹۷) و جالب اینکه یک بار هم تعبیر «سیزده‌بدر» - که در جای دیگر این یادداشت‌ها (۱/ ۹۱۷) برای سیزدهم فروردین آمده - برای مراسم روز سیزده صفر به کار رفته است. «چهارشنبه ۱۳ صفر حضرت والا و نواب علیّه و سایرین باغ نصیرالدوله عصر سیزده‌بدر رفتند» (همان، ۱/ ۶۰۱). عین‌السلطنه به نحسی سیزدهم صفر و لزوم بیرون رفتن از منزل در این روز تصریح کرده که سند گویا و مهمی از عصر قاجار است: «شنبه ۱۳ صفر: امروز را ما نحس می‌دانیم و مثل سیزده عید باید سوار شد یا جایی رفت» (همان، ۵/ ۳۹۸۹). دالمانی که از سال ۱۹۰۷ و مقارن با آغاز سلطنت محمدعلی شاه به ایران آمده، در سفرنامه‌اش نوشته است:

روز سیزده ماه صفر (دومین ماه تقویم مسلمانان) روزی کاملاً نحس تلقی می‌شود؛ به همین سبب ایرانیان از مرد و زن در این روز از بام تا شام خانه‌های خود را ترک گفته راه صحرا پیش می‌گیرند تا از نحوست آن در امان باشند (۱۳۷۸: ۱/ ۳۵۲).

هانری ماسه نیز ضمن اشاره به این سنت ایرانیان افزوده است که آن‌ها معتقدند اگر کسی در این روز نزاع کند در دیگر روزهای سال گرفتار بدبختی‌های گوناگون می‌شود

(ماسه، ۱۳۵۵: ۱/ ۲۷۹، زیرنویس ۱) و این همان نکته‌ای است که در گزارش جیمز موریه هم آمده است.

صفر دومین ماه تقویم هجری قمری است و طبعاً اعتقاد به شومی آن نیز خاستگاه عربی دارد. این ماه نزد اعراب - به‌دلیلی که دقیقاً دانسته نیست - نحس تلقی می‌شد و مشخصاً بعضی روزهای آن را بدیمن می‌دانستند (شهیدی صالحی، ۱۳۸۳: ۳۴۶). حتی روایت‌های متعددی هم در نحوست سیزدهم همه ماه‌ها به‌ویژه صفر نقل شده است (بقایی (ماکان)، ۱۳۹۴: ۱۱۰). این باور عامیانه عربی شاید به پشتوانه احادیث و اخبار منقول درباره آن - که اعتبار یا عدم اعتبار آن‌ها باید بررسی شود - چنان‌که دیدیم وارد فرهنگ عامه ایرانیان شده است و مردم غیر از بیرون شدن از خانه‌ها و تفریح در باغ و راغ کارهای دیگری مانند بریدن سر مرغ، مهره‌اندازی و فال‌گیری، انداختن کوزه پر از جو از بالای بام، ضربه زدن با چوب به در خانه و... هم برای رفع نحوست آن انجام می‌دادند و جالب اینکه در کرمان اصطلاح «صفره‌در» را (مشابه سیزده‌بدر) برای آن به‌کار می‌بردند (در این باره، ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۶۲۲؛ روح‌الامینی، ۱۳۶۹: ۷۰-۷۱؛ صرفی، ۱۳۹۱: ۲۴۱-۲۴۲).

در رساله عقایدالنسا مشهور به کثوم‌ننه که در زمان شاه سلیمان صفوی تألیف شده است می‌خوانیم «بدان که سیزدهم صفر و چهارشنبه آخر صفر که در اصطلاح چهارشنبه‌سوری گویند واجب است زدن سازها. چون این دو روز بالای بسیار از آسمان نازل می‌شود و به سبب زدن ساز رفع بلا می‌شود» (خوانساری، ۱۳۴۹: ۲۱). با اینکه کهن‌ترین سند یافته‌شده درباره گردش سیزدهم صفر (صفره‌در) از اوایل دوره قاجار است این اشاره رساله عقایدالنسا (کثوم‌ننه) نشان می‌دهد که عقیده به نحوست «سیزدهم صفر» در دوره صفویه هم رواج داشته است. کمپفر، جهانگرد آلمانی، که اتفاقاً در دوره شاه سلیمان صفوی (زمان تألیف رساله عقایدالنسا) به ایران آمده به شومی روز بیست و نهم ماه صفر - به جای سیزدهمین روز آن - اشاره کرده و نوشته است: «روز آخر ماه صفر آبستن حوادث شومی است زیرا حضرت محمد<sup>(ص)</sup> در جایی گفته است که در این روز آسمان هزار بلا بر مردم نازل می‌کند. در نتیجه این عادت نزد ایرانیان رایج شده که

کوزه‌ها و دیزی‌های کهنه و تیله‌شکسته‌ها را از بام‌ها به میدان می‌افکنند تا بر اثر آن بلا بگردد یا از پیش برداشته شود» (کمپفر، ۱۳۶۹: ۱۸۱).

پرسشی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا احتمال دارد ایرانیان در ادوار پیش از قاجار که گاهشماری قمری در ایران متداول بوده به تأثیر از معتقدات اعراب دربارهٔ نحوست سیزدهمین روز ماه صفر و احادیث و روایت‌های مذکور دربارهٔ آن فقط این روز را بدشگون می‌پنداشتند و برای رفع شومی آن به گردش و تفریح و کارهای دیگر می‌پرداختند؛ اما در دورهٔ قاجار هم‌زمان با این روز، سیزدهمین روز ماه فروردین را نیز - شاید به جهت اینکه نخستین روز «سیزدهم» سال جدیدشان بود - منحوس انگاشتند و مراسمی مشابه با «سیزدهم صفر» برای آن برگزار کردند که به تدریج و با جایگزینی تقویم شمسی به جای قمری این سنت اخیر (سیزده‌بدر) تثبیت و همگانی شد و آیین «سیزدهم صفر» - احتمالاً از دورهٔ پهلوی اول به بعد - منسوخ و فراموش گردید. البته در تاریخ ایران پس از اسلام در سال‌هایی هر دو روز سیزدهم فروردین و صفر با یکدیگر مقارن شده و احتمالاً در زمان‌هایی که برپایی مراسم این دو روز رایج بوده است، مردم آیین «سیزده‌بدر» هر دو ماه را یکجا گرفته‌اند. یک نمونهٔ احتمالی این کار در *سفرنامهٔ جیمز موریه* از دورهٔ فتحعلی شاه دیده می‌شود که پیش‌تر آوردیم و در آن موریه حین توضیحات مربوط به نوروز یک‌باره از بدشگونی روز «سیزدهم ماه صفر» و به تفرج رفتن ایرانیان سخن گفته است.

این حدس که شاید یک باور و رسم عربی (نحوست سیزدهم صفر) بر شکل‌گیری یا اجرای یک آیین مشهور و عمومی ایرانی تأثیر گذاشته است یا حداقل با آن جابه‌جا شده باشد، احتمال غریبی نیست و نمونهٔ دیگری اتفاقاً در همان سنن مربوط به جشن نوروز دارد و آن مراسم معروف چهارشنبه‌سوری است که این روز (چهارشنبه) را نیز مانند روز سیزدهم فروردین نحس می‌دانستند به شور و شادی می‌پرداختند (مشابه بزم و نشاط سیزده عید)؛ اما باید دانست که خاستگاه نحوست چهارشنبه نیز مانند سیزدهم صفر، عربی است و اعراب روز چهارشنبه هر هفته را بدشگون می‌پنداشتند. با راه‌یابی این باور عامیانه به ایران، مردم نومسلمان ایرانی از نخستین سده‌های بعد از اسلام برای دفع شومی این روز جشن شب سوری را به شب آخرین چهارشنبه سال منتقل کردند.

بدین ترتیب آیین آتش‌افروزی در این شب که احتمالاً پیشینه کهن‌تری در ایران باستان داشت، متأثر از معتقدات اعراب به روز چهارشنبه آورده شد (در این باره ر.ک: بلوکباشی، ۱۳۹۰: ۵۵ - ۵۶؛ همو، ۱۳۹۵: ۵۸۵؛ پورداوود، ۱۳۸۰: ۱۰۰). جالب‌تر اینکه در گذشته مراسم چهارشنبه سوری در برخی نواحی ایران در آخرین چهارشنبه ماه صفر برگزار می‌شد (مجته‌پور، ۱۳۹۴: ۴۴۴) که در اینجا باز حضور و تأثیر نحس‌انگاری «ماه صفر» تقویم قمری را در آیین‌های ایرانی می‌بینیم و از این رو بعید نیست که معتقدات و مراسم روز سیزدهم این ماه هم بر آیین «سیزده‌بدر» فروردین‌ماه شمسی اثر گذاشته باشد.

همان‌گونه که گفتیم در منابع ادبی و تاریخی پیش از صفویه و قاجار هیچ اشاره و قرینه‌ای درباره برگزاری مراسم «سیزده‌بدر» ماه‌های صفر و فروردین وجود ندارد و مهم‌تر از آن اینکه به رغم اشارات و گزارش‌های متعدد منابع عصر قاجاری درباره این دو آیین، در اشعار سخن‌سرایان این روزگار کمترین توجهی به بزم و نشاط و سنت‌های سیزدهم صفر و فروردین نیست. چه دلیلی دارد که شعرای مدیحه‌سرای دربارهای شاهان قاجار - که قصایدی در توصیف فرا رسیدن بهار و تهنیت عید نوروز گفته و حتی در ستایش‌های مبالغه‌آمیز خویش تخت و قصر و تصویر پادشاهان را نیز فراموش نکرده‌اند - درباره تفرج و شادخواری و نخچیر شاهانه در روزهای سیزدهم صفر و فروردین - که گزارش‌های آن در منابع تاریخی و خاطرات رجال آن روزگار هست - دم فرو بسته‌اند. در حالی که این موضوع می‌توانست مضمون مناسبی برای هنرنمایی و مدیحه‌پردازی شعرای ستایشگر باشد. جایی که برخی گویندگان این زمان به سنت‌های متأخر نوروزی مانند «سفره هفت سین» اشاره کرده‌اند<sup>۱۴</sup> بی‌توجهی آن‌ها به آیین سیزدهم صفر و فروردین که اسناد نشان می‌دهد به گستردگی در ایران اجرا می‌شده، بسیار عجیب و سؤال‌انگیز است.

روح‌الامینی (۱۳۷۶: ۶۹) با رد این گمان که چون «سیزده‌بدر» رسمی متأخر است در منابع کهن ادبی و تاریخی از آن یاد نشده، حدس زده‌اند که شاید این مراسم جنبه حکومتی و رسمی و درباری نداشته و «خانوادگی و عام ... پیش پا افتاده و همه‌پسند (و نه شاه‌پسند)» بوده و به همین دلیل در مآخذ رسمی و اشعار، مغفول واقع شده است. به

نظر نگارنده این گمان محتمل نیست؛ زیرا چنان‌که دیدیم شواهد گوناگونی برای گردش و بزم‌آرایی شاهان و رجال دوره قاجار در روز سیزدهم نوروز وجود دارد و حتی یکی از این گزارش‌ها به قلم ناصرالدین شاه و از خاطرات اوست. همین پادشاه در *سفرنامه عراق عجم* (نوشته سال‌های ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ق) «ازدحام مردم را در روز سیزدهم عید» به عنوان مشبّه به کار برده که گواه دیگری برای آشنایی وی با این مراسم است «... مردم همین که دیدند ما می‌آییم مثل مور و ملخ توی صحرا می‌دویند که ما را ببینند مثل روز سیزده عید نوروز که مردم از شهر بیرون می‌روند همان طور در صحرا ازدحام کرده بودند» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۳: ۱۵۷). بنابراین شاهان قاجار و درباریان هم به سان عموم مردم ایران با رسم «سیزده‌بدر» آشنا بودند و آن را اجرا می‌کردند و طبعاً شعرای دربار هم این بزم و سرورهای ملوکانه را می‌دیدند؛ اما بیتی و شعری در این باره نمی‌گفتند! آیا می‌توان تصور کرد که اعتقاد به بدشگونی روز «سیزدهم» فروردین و صفر باعث خاموشی و تغافل شاعران درباره این «عیش عمومی ایران» (به تعبیر عین السلطنه) شده است؟ و احتمالاً بیم داشته‌اند/ می‌پنداشته‌اند که اگر درباره این روز و مراسم آن شعری بسرایند نحوست «سیزده» دامن‌گیرشان می‌شود. تا آنجا که نگارنده تحقیق کرده قدیم‌ترین شواهد «سیزده‌بدر» در شعر فارسی یکی در ترانه‌ای عامیانه در *خاطرات عین السلطنه* است و دیگری در شعری از نسیم شمال:

بتول خانم نشسته‌ای

در اتاق‌ها را بسته‌ای

مگر چون من تو خسته‌ای امسال تو با ننه قمر

سیزده‌بدر نمیری مگر

(سالور (عین السلطنه)، ۱۳۷۴: ۹/ ۶۸۷۴)

از لطف خدا سکنه به هر شور و شر آمد

ماه رمضان آمد و سیزده‌بدر آمد

(رشتی (نسیم شمال)، ۱۳۶۴: ۲/ ۲۶۶)

برخیز بخور باده که سیزده‌بدر آمد

یک طایفه را یار خرامان به بر آمد

(همان‌جا)

مشهورترین نمونه هم این بیت استاد شهریار است:

سیزده را همه عالم بدر امروز از شهر

من خود آن سیزدهم کز همه عالم بدرم

(۱۳۸۶: ۱/ ۳۰۴)

توجه به آیین سیزده‌بدر در شعر بعضی دیگر از سخنوران معاصر نیز دیده می‌شود که در اینجا چند بیت از غلامرضا روحانی (اجنه) و ابوالقاسم حالت را می‌آوریم:

به روز سیزده باید به کن رفت      که باغش باصفا از آب جاری است  
(روحانی، بی تا: ۳۲)

خیزید تا به جانب صحرا سفر کنیم      از سیزده برون شده نحسی بدر کنیم  
(همان، ۹۶)

ای دل اگر سیزده‌بدر کردی نکردی      برپا ز نحسی شور و شر کردی نکردی  
(همان، ۱۱۶)

سیزده نحسی ندارد نحسی از رفتار توست      هر زیان کاید به بار از زشتی رفتار توست  
(حالت، ۱۳۶۳: ۵۶)

هنگام بهار آمد و وقت سفر آمد      روزِ ددر و موقع سیزده‌بدر آمد  
(همان، ۱۲۸)

ترکیب «سیزده‌بدر» که ظاهراً قدیم‌ترین شاهد کاربرد آن در متون فارسی، گزارش مراسم سیزدهمین روز فروردین سال ۱۳۱۳ق در *خاطرات عین السلطنه* (ر.ک: سالور (عین- السلطنه)، ۱۳۷۴: ۹۱۷/۱) و ابیات نسیم شمال است غالباً به معنای «به‌در کردن، خارج کردن و راندن نحسی روز سیزدهم» انگاشته می‌شود؛ اما چنان‌که یکی از محققان توجه کرده- اند (ر.ک: بقایی (ماکان)، ۱۳۹۴: ۱۰۹) «در» را در این ترکیب می‌توان به معنای «دره و کوه و دشت» هم دانست و «سیزده‌بدر» را به صورت «به کوه و دشت (رفتن) در روز سیزده (فروردین)» معنی کرد.

ذیل بحث «سیزده‌بدر» این نکته را هم باید افزود که ساکنان منطقه ایزدخواست استان فارس آیینی به نام «ششه‌بدر» دارند که در ششمین روز فروردین ماه هر سال اجرا می‌شود. این مراسم مشابه «سیزده‌بدر» است و مردم این ناحیه ماندن در خانه را نحس می‌دانند و برای اینکه «ششه‌گیر» (گرفتارِ نحوست روزِ ششم) نشوند از خانه بیرون می‌روند و در باغ و راغ به سر می‌برند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۹۰، زیرنویس ۱). این اعتقاد و رسم عامیانه از این نظر عجیب و درخور تأمل است که در متون ایرانی و معتقدات مزدیسنی روز «ششم» فروردین بسیار مهم و مقدس محسوب می‌شود و حتی رساله‌ای نیز به زبان پهلوی و با نام *ماه فروردین روز خرداد* درباره فضایل این روز و

رویدادهایی که در آن اتفاق افتاده، نوشته شده است (متن‌های پهلوی، ۱۳۸۲: ۱۱۷-۱۱۹). در منابع دوره اسلامی هم ششم فروردین را نوروز بزرگ نامیده‌اند (رضی، ۱۳۸۰: ۳۳۲-۳۳۵). خلاف «سیزده» عدد «شش» در باورهای بسیاری از مردمان جهان، مطلوب، محترم و مقدس و تنها در میان معدودی از اقوام و قبایل، شوم و روز مرگ است (شوالیه و گبریان، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۸).

### ۳. نتیجه

با اینکه شماری از آداب و رسوم نوروزی (مانند چهارشنبه‌سوری، سبزه کاشتن، کوسه-برنشین، خوان نوروزی، آیین‌های تحویل سال، آب پاشیدن به یکدیگر، عیدی دادن و میر نوروزی) در منابع مکتوب کهن دیده می‌شود (برای دیدن این منابع، رک: بلوکباشی، ۱۳۹۰: ۳۶، ۴۱-۴۳، ۵۰، ۵۱، ۶۹، ۷۴-۷۶، ۸۰، ۸۱، ۸۳ و ۸۴) سنت «سیزده بدر» هیچ سابقه‌ای در مآخذ قدیمی ندارد و کهن‌ترین اسناد مربوط به آن از دوره فتحعلی شاه قاجار به بعد است. از این روی اگر بخواهیم بر اساس مدارک و منابع فعلاً موجود نتیجه‌گیری کنیم باید گفت احتمالاً مراسم روز سیزدهم فروردین از اوایل عصر قاجار به بعد در ایران اجرا شده و اگر هم پیش از این دوران وجود داشته، هنوز هیچ قرینه، اشاره یا سند روشنی در این باره یافته نشده است. این احتمال که یک رسم مشهور و عمومی نوروزی خلاف جشن نوروز و بعضی سنت‌های مربوط به آن پیشینه کهنی نداشته باشد اصلاً عجیب و ناممکن نیست و نمونه دیگر آن، آیین «هفت‌سین گذاشتن بر سفره نوروزی» است که به رغم شهرت و تداولش ظاهراً از رسوم متأخر مردمی است (غیبی، ۱۳۹۶: ۳۵۰).

بنابر معتقدات عامیانه ایرانیان عصر قاجار، در روز سیزدهم فروردین احتمال داشت خانه‌ها ویران شود و نیز بلاهای مقدر سال جدید در این روز تقسیم می‌شد؛ لذا برای در امان ماندن از خطرات این روز و فراموش شدن از قضای بد، نخستین روز سیزدهم هر سال را از خانه بیرون می‌رفتند و به گردش و نشاط می‌گذراندند تا بدبختی آن را از خود، خانه و شهرشان برانند/ به در کنند. این موضوع چنان ضروری بوده که عین السلطنه آشکارا و موکداً نوشته است در روز سیزده فروردین «به رسم معمول باید حکماً از شهر خارج شد» (سالور (عین السلطنه)، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۵۲). محتملاً در اعتقاد به

نحوست «سیزده» و روز «سیزدهم»، دوازده تا بودن شمار بروج فلکی در هیئت قدیم و برخی اخبار و احادیث دینی که روز سیزدهم ماه‌های ایرانی را شوم و بد دانسته، تأثیر داشته است.

در تحلیل آیینی - اساطیری شاید روز سیزدهم فروردین نمادی از هزاره سیزدهم بوده که در باورها و روایات ایرانی زمان پایان عمر دوازده هزار ساله جهان و آغاز ویرانی و نابودی فرجامین است. از این رو سیزدهم فروردین نگران‌کننده و منحوس پنداشته می‌شود.

مطابق اسناد مکتوب، ایرانیان پیش از سیزدهم فروردین، سیزده ماه صفر را نحس می‌دانستند و در دوره قاجار در کنار «سیزده‌بدر» در روز سیزده صفر نیز برای رفع شومی آن به تفرج در خارج از خانه می‌رفتند. احتمال دارد به تدریج و با رواج گاهشماری شمسی به جای قمری، مراسم «سیزدهم فروردین» جایگزین «صفربدر» شده و از دوره پهلوی اول به بعد این آیین را منسوخ کرده باشد.

ترکیب / اصطلاح «سیزده‌بدر» متأخرتر از سابقه برگزاری خود این مراسم است و ظاهراً پیش از سال ۱۳۱۳ق در متون فارسی به کار نرفته است. در گزارش‌ها و اشارات قبل از این تاریخ از این آیین ذیل عناوینی چون: سیزدهم فروردین، سیزده نوروز، سیزدهم عید و سیزده سال نو یاد شده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. نگارنده این مقاله را نیافته و ندیده است و نام و مشخصات آن را از فهرست مقالات فارسی استاد ایرج افشار آورده است.
۲. مأخذ بررسی‌ها و جست‌وجوهای نگارنده در بخش‌های مختلف این مقاله علاوه بر کتاب‌ها، مقالات و مداخل مرتبط با موضوع، چند نرم‌افزار رایانه‌ای و پیکره زبانی گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی (شامل واحدهای واژگانی ۱۴۳۷ متن) بوده که نام و مشخصات آن‌ها در فهرست منابع آمده است.
۳. مترجم سفرنامه موریه در زیرنویس درباره «روز سیزدهم ماه صفر» مذکور در متن نوشته‌اند «به‌ظاهر منظور مؤلف سیزدهم فروردین است» (موریه، ۱۳۸۶: ۱/ ۲۴۷، زیرنویس ۳).

سابقه و سبب برگزاری سیزده‌بدر در سنت‌های ایرانی \_\_\_\_\_ سجاد آیدنلو

۴. برای دیدن سایر اشارات، ر.ک: سالور (عین‌السلطنه)، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۰۲، ۲۷۰، ۵۸۱، ۷۲۱، ۹۱۷، ۲/ ۱۱۳۵، ۱۲۲۴ و ۱۵۱۱، ۳/ ۲۰۱۳ و ۲۳۹۲، ۴/ ۳۰۴۰، ۵/ ۳۳۵۳، ۴۰۴۸، ۴۰۵۳، ۶/ ۴۵۱۸، ۴۷۵۱، ۷/ ۵۱۵۹، ۵۶۳۸، ۸/ ۵۹۱۰، ۶۳۸۶، ۶۵۹۶.

۵. در جدول بیرونی از روزهای ماه فروردین دو روز نهم (آذر روز) و بیست و دوم (باد روز) در نزد ایرانیان نحس است و سیزدهمین روز این ماه خلاف پندارهای معاصر، نیک و سعد است.

۶. برای نمونه از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل شده است که تیرروز «روزی نحس مستمر است. پس در این روز تا آنجا که توانایی دارید از همه کارها بپرهیزید» (سلیم، ۱۳۵۳: ۲۶۸). البته اصالت یا عدم اصالت این اخبار و اقوال را باید متخصصان علم درایه بررسی کنند.

۷. مثلاً در *بستان‌السیاحه* (تألیف ۱۲۴۷-۱۲۴۸ق) آمده است «سیزده از قدیم باشد بد/ هیچ کاری در او نمی‌زیبید ... روز سیزدهم جمیع شهور موافق نجوم نیز مذموم است» (شیروانی، ۱۳۱۵: ۵۵، ۵۶).

۸. اشاره به نحوست «سیزده» را در ضرب‌المثل‌های ایرانی هم می‌بینیم. مثلاً «سیزده برای همه کس نحس نیست» و «سیزده به کارت افتاده بود» (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۲۲۸).

۹. در باورهای برخی اقوام و ملل نیز «سیزده» مقدس و مبارک است (ر.ک: شیمل، ۱۳۸۸: ۲۳۱؛ شوالیه و گربران، ۱۳۸۲: ۷۰۹).

۱۰. در تنظیم تاریخی نظریات، تاریخ چاپ اول کتاب‌ها و مقالات مورد نظر بوده هر چند که در این مقاله از چاپ‌های بعدی بعضی از این کارها استفاده شده است.

۱۱. درباره موضوع آفرینش در باورهای ایرانی و برخی ملل دیگر می‌توان به این دو منبع مراجعه کرد: صیرفی، هاید، *آفرینش در اساطیر و آیین‌های باستانی ایران*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۳؛ هادی، سهراب، *شناخت اسطوره‌های ملل*، تهران، تندیس، ۱۳۷۷.

۱۲. نام‌گذاری این آیین به «پوریم» از آن روی است که طبق گزارش کتاب *استر تورات* برای انتخاب روز کشتن مُردخای و یهودیان، در حضور هامان «پور» یا همان «قرعه» انداختند (کتاب مقدس، ۱۳۸۸: ۹۴۳، ۹۴۴).

۱۳. نمونه همانند برای نوروز ایرانی، جشن سال نو بابل به نام «اکیتو/ Akitu» است که آن نیز دوازده روز طول می‌کشید و آخرین روزش با بزم و سرور همگانی (شبی سیزده‌بدر ایرانیان) پایان می‌یافت. (در این باره برای نمونه، ر.ک: الیاده، ۱۳۷۸: ۶۹، ۷۱؛ رضی، ۱۳۸۴: ۲۷، ۲۸۴-۲۸۶).

۱۴. برای نمونه قآنی گفته است:

سین ساغر بس بود ای ترک ما را روز عید  
گو نباشد هفت سین رندانِ دُردآشام را  
(قآنی، ۱۳۶۶: ۲۴)

برای شاهی دیگر در شعر افسری کرمانی از سده سیزدهم، ر.ک: برومند سعید، جواد، *نوروز جمشیدی (پژوهشی نوین از پیدایی نوروز)*، تهران، توس، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۳۳۲.

### منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). «گزارشی ساده از گاهشماری در ایران باستان». *زبان، فرهنگ، اسطوره (مجموعه مقالات)*. تهران: معین. صص ۲۲۷-۲۴۵.
- ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۳). *دیوشناسی ایرانی*. تهران: فرهامه.
- اسعد گرگانی، فخرالدین (۱۳۸۶). *ویس و رامین*. تصحیح محمد روشن. چ ۳. تهران: صدای معاصر.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی (۱۳۸۱). «هفت سین». *پژوهش‌های ایران‌شناسی (نامواره دکتر محمود افشار)*. به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار. ج ۱۴. صص ۱-۹.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۸). *اسطوره بازگشت جاودانه*. ترجمه بهمن سرکاراتی. تهران: قطره.
- بجنوردی، سهام‌الدوله (۱۳۷۴). *سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی*. به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو. تهران: علمی و فرهنگی.
- بروگش، هنیریش (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحب‌قران*. ترجمه مهندس کردبچه. تهران: اطلاعات.
- بصیرالملک شیبانی، میرزا طاهر (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات بصیرالملک*. به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت. تهران: دنیای کتاب.
- بقایی (ماکان)، محمد (۱۳۹۴). *نگرش‌های ایرانی*. تهران: رسانش.
- بلوکباشی، علی (۱۳۹۰). *نوروز، جشن نوزایی آفرینش*. چ ۸. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). «نوروز». *دانشنامه زبان و ادب فارسی*. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ج ۶. صص ۵۸۱-۵۸۸.
- بویس، مری (۱۳۹۴). «نوروز در دوره پیش از اسلام». *نوروز (جستارهایی پیرامون نوروز از دانشنامه ایرانیکا)*. گردآورنده و مترجم مصطفی صداقت رستمی. تهران: ترفند. صص ۱۳-۷۹.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۴الف). «نوروز زمان مقدس». *جستاری چند در فرهنگ ایران*. تهران: فکر روز. چ ۲. صص ۲۲۱-۲۲۸.

- سابقه و سبب برگزاری سیزده بدر در سنت‌های ایرانی \_\_\_\_\_ سجاد آیدنلو
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴ب). «نوروز جشنی آریایی نیست». *جستاری چند در فرهنگ ایران*. همان. صص ۲۲۹-۲۳۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). «نوروز: جشن بازایی». *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه. چ ۴. صص ۳۳۹-۳۶۰.
- بهروزی، محمدجواد (۱۳۶۴). «سیزده و سیزده بدر». *آینده*. س ۱۱. ش ۱-۳. صص ۳۳-۳۸.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۲). *التفهیم لوائیل صناعه التنجیم*. با مقدمه و تعلیقات جلال‌الدین همایی. تهران: بابک.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *آثار باقیه از مردمان گذشته*. ترجمه و تعلیق پرویز سپینمان (اذکایی). تهران: نی.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۹۴). «یادداشت‌های فیس‌بوکی» (۳). *بخارا*. ش ۱۰۶. صص ۲۷۷-۲۸۸.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۸۰). «چهارشنبه‌سوری». *آناهیتا*. تهران: افراسیاب. صص ۱۰۰-۱۰۲.
- پولاک، ادوارد یاکوب (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. چ ۲. تهران: خوارزمی.
- *پیکره گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی*.
- جابز، گرتروود (۱۳۹۵). *فرهنگ سمبل‌ها. اساطیر و فولکلور*. ترجمه محمد بقاپور. تهران: اختران.
- جکسن، ابراهیم و ویلیامز (۱۳۶۹). *سفرنامه جکسن*. ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. چ ۳. تهران: خوارزمی.
- حالت، ابوالقاسم (۱۳۶۳). *دیوان ابوالعینک*. تهران: سلسله نشریات ما.
- حسینی شکرایی، احترام‌السادات (۱۳۹۰). *نقش اعداد از باستان تا کنون*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حقیق، فضل‌الله (۱۳۴۸). «آیین نوروزی و میر نوروزی». *بررسی‌های تاریخی*. س ۴. ش ۱. صص ۳۰۳-۳۲۵.

- خوانساری، آقاجمال (۱۳۴۹). *عقایدالنسا و مراتالبها (دو رساله انتقادی در فرهنگ توده)*. به کوشش محمود کتیرایی. تهران: طهوری.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۷۸). *از خراسان تا بختیاری*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: طاووس.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۷). *سفرنامه*. ترجمه جواد محیی. تهران: گوتنبرگ.
- دلاواله، پیتر (۱۳۹۰). *سفرنامه پیتر و دلاواله (قسمت مربوط به ایران)*. ترجمه شعاع‌الدین شفا. چ ۵. تهران: علمی و فرهنگی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*. تهران: معین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). *باورهای عامیانه مردم ایران*. با همکاری علی‌اکبر شیری. تهران: چشمه.
- رشتی، سید اشرف‌الدین (نسیم شمال) (۱۳۶۴). *دیوان*. با مقدمه سعید نفیسی. تهران: سعدی.
- رشوند، محمدعلی خان (۱۳۷۶). *مجمعل رشوند*. تصحیح منوچهر ستوده و عنایت‌الله مجیدی. تهران: مرکز میراث مکتوب.
- رضازاده شفق، صادق (۱۳۱۹). «مبارزه با خرافات». *سه سخنرانی*. تهران: چاپخانه بهار. صص ۲-۸۲.
- رضی، هاشم (۱۳۸۰). *گاهشماری و جشن‌های ایران باستان*. چ ۳. تهران: بهجت.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۹). *به شاخ نباتت قسم (باورهای عامیانه درباره حافظ)*. تهران: پاژنگ.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). *آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز (نگرش و پژوهشی مردم‌شناختی)*. تهران: آگه.
- روحانی، غلامرضا (اجنه) (بی‌تا). *کلیات اشعار و فکاهیات روحانی*. تهران: سنایی.
- ریچاردز، فرد (۱۳۸۹). *سفرنامه فرد ریچاردز*. ترجمه مهین‌دخت صدیقیان. چ ۳. تهران: علمی و فرهنگی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). «نوروز و آیین‌های وابسته به آن». *نقش بر آب*. چ ۴. تهران: سخن. صص ۴۳۷-۴۵۱.
- سالور (عین‌السلطنه)، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.

سابقه و سبب برگزاری سیزده بدر در سنت‌های ایرانی \_\_\_\_\_ سجاد آیدنلو

- *سفرنامه‌های خطی فارسی* (۱۳۸۸). تصحیح و پژوهش هارون وهومن. تهران: اختران.
- سلیم، عبدالامیر (۱۳۵۳). «تطبیق روزهای ماه در فرهنگ ایرانی و احادیث اسلامی یا سی روزه در حدیث شیعه». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*. س ۲۶. ش ۱۱۱. صص ۲۵۱-۲۸۶.
- شاپور شهبازی، علی‌رضا (۱۳۸۵). «جشن». *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی. ج ۱۰. صص ۳۵۹-۳۷۰.
- شاردن، ژان (۱۳۹۳). *سفرنامه شاردن*. ترجمه اقبال یغمایی. چ ۲. تهران: توس.
- شفیع قزوینی (۱۳۷۰). *قانون قزوینی*. تصحیح ایرج افشار. تهران: طلایه.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۸۲). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضاییلی. ج ۳. تهران: جیحون.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضاییلی. ج ۴. تهران: جیحون.
- شهری، جعفر (۱۳۸۳). *طهران قدیم*. تهران: معین. چ ۴.
- شهریار، محمدحسین (۱۳۸۶). *دیوان شهریار*. چ ۳۰. تهران: نگاه.
- شهیدی صالحی، عبدالحسین (۱۳۸۳). «صفر». *دایرةالمعارف تشیع*. تهران: نشر شهید سعید محبی. ج ۱۰. صص ۳۴۵-۳۴۷.
- شیرازی (خاوری)، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*. تصحیح و تحقیق ناصر افشاری‌فر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شیروانی، زین‌العابدین (۱۳۱۵). *بستان‌السیاحه*. تهران: چاپخانه احمدی.
- شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۸). *راز اعداد*. ترجمه فاطمه توفیقی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- صادقی، علی‌اشرف (سرپرست) (۱۳۹۲). *فرهنگ جامع زبان فارسی*. ج ۱. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- صرفی، محمدرضا (۱۳۹۱). *باورهای مردم کرمان*. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- عضدالدوله، میرزا احمد (۱۳۷۶). *تاریخ عضدی*. با توضیحات و اضافاتی از عبدالحسن نوایی. تهران: علم.
- غیبی، بیژن (۱۳۹۶). *دوازده متن باستانی*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *شاهنامه*. پیرایش جلال خالقی مطلق. تهران: سخن.

- فرنیغ دادگی (۱۳۶۹). *بندهش*. ترجمه مهرداد بهار. تهران: توس.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۸۳). *جهان فروری (بخشی از فرهنگ ایران کهن)*. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- قآنی (۱۳۳۶). *دیوان*. تصحیح محمدجعفر محجوب. تهران: امیرکبیر.
- *کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید)* (۱۳۸۸). ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن و هنری مرتن. ج ۳. تهران: اساطیر.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۸۶). *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. ج ۳. تهران: چشمه.
- کریستوفورتی، سیمون (۱۳۹۴). «نوروز در تقویم ایرانی». *نوروز (جستارهایی پیرامون نوروز از دانشنامه ایرانیکا)*. گردآورنده و مترجم مصطفی صداقت رستمی. تهران: ترفند. صص ۸۰-۹۲.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر به ایران*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. ج ۳. تهران: خوارزمی.
- کمره‌ای، سید محمد (۱۳۸۴). *روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای*. به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا. تهران: اساطیر.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی (۱۳۸۴). *زین‌الخبار*. به اهتمام رحیم رضازاده ملک. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- گلبدن بیگم (۱۳۸۳). *گلبدن‌نامه*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- ماسه، هانری (۱۳۵۵). *معتقدات و آداب ایرانی*. ترجمه مهدی روشن ضمیر. تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- *متن‌های پهلوی* (۱۳۸۲). گردآورنده جاماسپ جی دستور منوچهر جی جاماسپ آسانا. پژوهش سعید عریان. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- مجتهدپور، یاسمین (۱۳۹۴). «چهارشنبه‌سوری». *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*. ج ۳. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی. صص ۴۴۴-۴۵۵.
- مدخل «سبزه‌بدر»، *دانشنامه اینترنتی ویکیپدیا*.
- مرادی غیاث‌آبادی، رضا (۱۳۸۴). *راهنمای زمان جشن‌ها و گرهمایی‌های ملی ایران باستان*. تهران: پژوهش‌های ایرانی.

سابقه و سبب برگزاری سیزده بدر در سنت‌های ایرانی \_\_\_\_\_ سجاد آیدنلو

- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی - اداری دوره قاجاری)*. چ ۵. تهران: زوار.
- مصاحب، غلامحسین (سرپرست) (۱۳۸۷). *دایرةالمعارف فارسی*. چ ۵. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر.
- موریه، جیمز جاستی (۱۳۸۶). *سفرنامه*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۳). *سفرنامه عراق عجم*. چ ۲. تهران: شیرازه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان*. به کوشش محمداسماعیل رضوانی و فاطمه قاضی‌ها. چ ۲. تهران: سازمان اسناد ملی ایران با همکاری موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نبئی، ابوالفضل (۱۳۸۵). *گاهشمار در تاریخ*. چ ۳. تهران: سمت.
- *نرم‌افزار تاریخ ایران اسلامی (متن ۲۷۶ کتاب)*. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- *نرم‌افزار تراث ۲ (متن ۲۸۳ کتاب)*. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- *نرم‌افزار جغرافیای جهان اسلام ۲ (متن ۴۱۴ کتاب)*. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- *نرم‌افزار درج ۴ (کتابخانه الکترونیک شعر و ادب فارسی. ۲۳۶ اثر نظم و نثر ادبی)*. تهران: موسسه فرهنگی مهر ارقام ایرانیان.
- *نرم‌افزار عرفان ۳ (متن ۱۰۵ کتاب)*. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی خان (۱۳۶۲). *خاطرات و اسناد حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه مافی*. به کوشش معصومه مافی و همکاران. تهران: نشر تاریخ ایران.
- نیک‌نام، کوروش (۱۳۷۹). *از نوروز تا نوروز*. تهران: فروهر.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدی‌قلی (۱۳۸۵). *خاطرات و خطرات*. چ ۶. تهران: زوار.
- بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵). *خراسان و سیستان (سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان)*. ترجمه قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری. تهران: یزدان.
- Netzer, Amnon (1999). "Festivals, Jewish". *Encyclopaedia Iranica*. ed. Ehsan Yarshater. New York: Bibliotheca Persiana Press. vol.9. pp. 556-559.

## The Historical Background and reason of celebrating "Sizdah- Bedar" in Iranian traditions

Sajad Aydenlou<sup>1</sup>\*

1. Associate Professor of Persian Language and Literature/ Payame- Nour University.

Receive: 02/10/2017      Accept: 20/01/2018

### Abstract

In Iran and the countries influenced by Iranian culture, on the thirteenth day of Farvardin, every year, people leave the house and go on excursion outdoor from morning to night. This day, called Sizdah Bedar, is one of the most important rituals. Nowruz's famous ritual that has no history in ancient literary and historical sources, and the first related documents belong to the time of Fath-Ali Shah Qajar. The memories and travel guides of the Qajar era show that the Shah and the royal court as well as the public have officially and widely celebrated the thirteenth day of Farvardin, and that in the ancient Iranian beliefs, the "thirteenth day of July was sinister. According to the words, the thirteenth day of all the Iranian months were sinister. Regarding this historical background on the sinister nature of 13<sup>th</sup>, Iranian at Qajar era had believed in this day their homes might be destroyed and also the New Year calamities have been destined on this day. To this end, they were going to the plains and gardens to relax and save themselves from the losses of that day. Contemporary scholars have also brought up various guesses and views (at least 14 opinions) about the cause of the "Sizdah Bedar" ceremony among which symbolism of the thirteenth day for the thirteenth millenary in Iranian beliefs –which shows the end of the twelve thousand-year-old universe and the beginning of the final disturbance and destruction-sounds more likely. To do the present research, the authors benefited from a review of many literary and historical references, writings and research of contemporaries with specific precision (in print, language corpora and soft wares) and then on the basis of the evidence obtained from the history of the Sizdah Be Badr discussion and conclusion have been presented.

**Keywords** :Nowruz, Sizdah-Bedar, Thirteenth Safar, Safavid Era, Qajar Period, Popular beliefs.

---

\*Corresponding Author's E-mail: aydenloo@gmail.com